



Analyzing the Legal Status of the Permanent Committee for Prevention and Resolution of Disputes in EPC Contracts in the Oil Industry and Its Comparison with Similar Institutions

ARTICLE INFO

DOI: 10.48311/clr.2025.101652.0

Article Type

Research Article

Authors:

¹ Majid Ghorbani Lachevani 
ORCID: <https://0000-0003-3964-2492>

² Mohammad Reza Afshari 
ORCID: <https://0000-0001-9151-9151>

³ Sajedeh Azizi* 
ORCID: <https://0009-0005-2489-5915>

Affiliation:

¹ Assistant Professor in Private Law,
Tehran Petroleum Faculty, Petroleum
University of Technology,
Tehran, Iran

² Assistant Professor in Private and
Islamic Law, Faculty of Law and
Political Sciences, Shiraz University,
Shiraz, Iran

³ Master's Student in Oil and Gas Law,
Tehran Petroleum Faculty, Petroleum
University of Technology, Tehran, Iran

Correspondence:

Email : sajedeh780@gmail.com

Article History:

Received: 2025/03/12

Received in Revised form: 2025/11/09

Accepted: 2025/12/28

Abstract

Following the adoption of the 2024 General Conditions of EPC Contracts and the introduction of the Permanent Committee for Prevention and Resolution of Disputes under Article 75, a new institutional mechanism for dispute resolution has been established in Iran's oil industry. This study, using a descriptive-analytical method and based on legal documents and official regulations, examines the legal status, duties, jurisdiction, and procedural role of the Committee within the multi-layered system of contractual dispute resolution. It further compares this body with similar domestic institutions—such as the Ministry of Petroleum's Contractual Dispute Resolution Board—and international counterparts, particularly the Dispute Adjudication Board (DAB) in the FIDIC Silver Book. The findings indicate that the Committee is a distinctive, semi-consultative body with both preventive and curative functions that can manage disputes at an early stage through faster, less costly, and more technically informed processes. Comparative analysis with alternative dispute resolution (ADR) methods—including expert determination, mediation, mini-trial, and arbitration—shows that, while the Committee's opinions are non-binding like mediation and expert review, it plays a more proactive role by providing advisory opinions and maintaining continuous oversight during contract execution. Despite its advantages—such as efficiency, technical specialization, and the preservation of business relationships—the Committee faces challenges including the lack of a fixed procedural framework, the non-binding nature of its decisions, and the absence of a clear fee mechanism for members. Strengthening its legal enforceability and establishing detailed procedural rules could significantly enhance the effectiveness of this new institution in managing EPC contractual disputes in Iran's oil and gas sector.

Keywords: Permanent Committee for Prevention and Resolution of Disputes, EPC Contracts, Oil and Gas Industry, Alternative Dispute Resolution (ADR), FIDIC.





تحلیل جایگاه کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف در قراردادهای EPC صنعت نفت و مقایسه با نهادهای مشابه

مجید قربانی لاجوانی^۱، محمدرضا افشاری^۲، ساجده عزیزی^{۳*}

۱. حقوق نفت و گاز، استادیار دانشگاه صنعت نفت، دانشکده نفت تهران، ایران
۲. حقوق خصوصی و اسلامی، استادیار دانشگاه شیراز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز، دانشگاه صنعت نفت، دانشکده نفت تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

چکیده

با تصویب شرایط عمومی پیمان‌های EPC در سال ۱۴۰۳ و پیش‌بینی «کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف» در ماده ۷۵، سازوکاری نوین برای حل و فصل اختلافات در صنعت نفت ایران ایجاد شد که هدف آن، پیشگیری از بروز اختلاف و تسریع در حل آن پیش از رجوع به هیأت حل اختلاف و داوری است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر اسناد و مقررات موجود، به بررسی جایگاه حقوقی، وظایف، نحوه ورود و صلاحیت این کمیته در چرخه حل اختلافات قراردادی پرداخته و آن را با نهادهای مشابه داخلی از جمله هیأت حل اختلاف وزارت نفت و نیز ساختارهای بین‌المللی مانند «هیأت حل اختلاف» مندرج در کتاب نقره‌ای فیدیک مقایسه کرده است. نتایج نشان می‌دهد که کمیته دائمی، نهادی متمایز با ماهیتی شبه‌مشورتی است که ضمن برخورداری از کارکرد پیشگیرانه، در شرایط بروز اختلاف نیز با سرعت، هزینه کم و بهره‌گیری از تخصص فنی، می‌تواند اختلافات را در سطح قرارداد مدیریت

Email: Sajedeh780@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله:



کپی‌رایت © ۲۰۲۶، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



نماید. مقایسه با شیوه‌های جایگزین حل اختلاف (از قبیل کارشناسی، میانجی‌گری، دادرسی خصوصی و داوری) بیانگر آن است که این کمیته از حیث الزام‌آور نبودن تصمیمات، ماهیتی نزدیک به میانجی‌گری و کارشناسی دارد، اما برخلاف آن‌ها نقش فعال‌تری در ارائه راه‌حل و نظارت مستمر بر روند اجرای پیمان ایفا می‌کند. با وجود مزایایی همچون صرفه‌جویی زمانی و مالی، تخصص‌گرایی و حفظ روابط طرفین، نهاد مزبور با چالش‌هایی مانند فقدان رویه ثابت، عدم الزام‌آوری تصمیمات و نبود سازوکار روشن برای حق‌الزحمه اعضا روبه‌رو است. در نهایت، تقویت ضمانت‌اجراها و تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی برای تعیین حدود صلاحیت و آیین رسیدگی کمیته می‌تواند زمینه بهره‌برداری مؤثرتر از این نهاد نوپا را در مدیریت اختلافات EPC صنعت نفت فراهم آورد.

واژگان کلیدی: کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف، قراردادهای EPC، صنعت نفت، روش‌های جایگزین حل اختلاف، فیدیک.

۱. مقدمه

وزارت نفت، بر مبنای ماده ۶ نظام فنی و اجرایی طرح‌ها و پروژه‌های صنعت نفت (مصوب ۱۳۹۶)، با عنایت به بند ۲-۱۳ و تعریف اسناد همسان و همچنین مستنبت از جزء ۸ بند (ب) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (مصوب ۱۳۹۱)، اختیار تنظیم و ابلاغ شرایط عمومی EPC را دارا است. این اقدامات در راستای تحقق اهداف نظام اجرایی مهندسی، تأمین کالا و تجهیزات، ساختمان و نصب مطابق با نیازها و الزامات خاص صنعت نفت صورت می‌گیرد.

تمامی شرکت‌های اصلی، فرعی و تابعه وزارت نفت موظف‌اند شرایط عمومی اسناد ابلاغی را بدون اعمال هرگونه حذف، تغییر و یا اصلاح، در فرآیندهای ارجاع کار و انعقاد پیمان، به‌کار گیرند و صرفاً در مواردی که در متن شرایط عمومی، به شرایط خصوصی و پیوست‌ها ارجاع شده باشد، متون فنی خاص هر طرح یا پروژه را به‌نحوی در شرایط خصوصی و پیوست‌ها منعکس نمایند که مغایرتی با مفاد موافقت‌نامه و یا شرایط عمومی پیمان مذکور، ایجاد نشود (پیمان طراحی و مهندسی، تأمین مصالح و تجهیزات، ساختمان و نصب (EPC) برای کارهای



صنعتی، ۱۴۰۳).^۱

از جمله مفاد اصلی شرایط عمومی پیمان، موضوع حل اختلاف بین کارفرما و پیمانکار است. قراردادهای پیمانکاری به‌عنوان یک قرارداد مستمر و طولانی‌مدت، می‌تواند موجب بروز اختلافات متعدد و بعضاً پیچیده‌ای میان کارفرما و پیمانکار شود. در صورتی‌که این اختلافات به‌نحو صحیح و به‌موقع حل‌وفصل نشوند، امکان ادامه کار و به نتیجه رسیدن پروژه وجود نخواهد داشت. اتخاذ یک استراتژی راهبردی جهت حل‌وفصل اختلاف در ابتدای بروز آن، ضرورتی اساسی برای حل‌وفصل صحیح و به‌موقع اختلاف است. در غیر این صورت، اختلافات کوچک منتهی به اختلافات پیچیده و بعضاً غیرقابل حل می‌گردد. بهره‌گیری از نظرات و توصیه‌های مشاوران و کارشناسان فنی و مهندسی در حل اختلافات، بسیار مؤثرتر و کارآمدتر از رجوع به مراجع قضایی است. از عمده اختلافات ممکن در قراردادهای پیمانکاری می‌توان به اختلاف در خصوص پرداخت دستمزد کیفیت انجام کار و تأخیر در انجام کار اشاره نمود (یعقوبی مقدم و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۰۶).

یکی از نهادهای پیش‌بینی‌شده در شرایط عمومی پیمان‌های EPC مصوب ۱۴۰۳، کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف می‌باشد. از آنجایی که خاستگاه کمیته مورد بحث با ویژگی‌های خاص آن، سند همسان مذکور می‌باشد، با توجه به جدید بودن این نهاد، تقریباً محور اصلی جست‌وجو و تحلیل موضوع، مواد مرتبط با کمیته در این سند است. نویسندگان ابتدا هر جای سند همسان که نامی از کمیته آمده را شناسایی کرده و سپس بر مبنای طرح‌ریزی اولیه و تقسیم سرفصل‌ها، آن قسمت را ذیل عنوان مربوط مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌دهند. هدف از این پژوهش در وهله اول معرفی مرحله‌ای جدید از سازوکار چندلایه‌ای حل‌وفصل اختلاف است که ابتکارها و نوآوری‌هایی نسبت به مراحل پیشین دارد. در ضمن معرفی، شباهت‌ها و تفاوت‌های

۱. در سال ۱۴۰۳، معاونت مهندسی و پژوهش و فناوری وزارت نفت و معاونت تولیدی، فنی و زیربنایی سازمان برنامه و بودجه کشور، یک سند واحد ابلاغ کردند که در تمام پروژه‌های صنعتی EPC لازم‌الاجرا است. لازم به ذکر است که این سند، همان سند شرایط عمومی پیمان EPC سال ۱۴۰۲ است که بدون تغییر ابلاغ شده و برای نخستین بار، نهاد کمیته دائمی در این سند پیش‌بینی شده است.



این شیوه با سایر روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف بیان شده و سعی شده تا معایب و مزایای آن تا حد ممکن بیان و نقاط ضعف جهت رفع و اصلاح، برجسته گردد. بر اساس اهداف مزبور، ساختار مقاله بدین نحو شکل می‌گیرد: در قسمت نخست، به بیان جایگاه کمیته در روند حل اختلاف قراردادهای پیمانکاری و نحوه ورود کمیته به اختلافات و یا موارد مستعد بروز اختلاف در آینده می‌پردازیم، سپس در قسمت دوم، این نهاد، با سایر روش‌های مشابه و روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف مقایسه شده و در نهایت معایب و مزایای این شیوه حل اختلاف بر اساس مطالعات انجام شده و نه در عرصه عمل و بر اساس تجربه (زیرا عملیاتی شدن کمیته در صنعت و شناسایی معایب و مزایای کاربردی آن مستلزم طی زمان است)، ارائه می‌شود.

۲. جایگاه کمیته در فرآیند حل اختلاف

۲-۱) معیارها و نحوه ورود کمیته به موضوع مورد اختلاف

کمیته دو وظیفه عمده بر عهده دارد: نخست، پیشگیری از اختلاف و دیگری حل اختلاف. وظیفه اخیر کمیته نقطه آغازین و پایانی در مسیر حل اختلاف نیست؛ زیرا قبل از ارجاع اختلاف به کمیته باید مسیری طی شود و نهایتاً بعد از اعلام تصمیم کمیته نیز ادامه راه حل اختلاف از سایر مراجع گشوده است. به اقتضای کلام، در این قسمت بر مقدمه و در واقع الزاماتی که باید قبل از ارجاع اختلاف به کمیته رعایت شود، می‌پردازیم.

مطابق با ماده ۷۵ شرایط عمومی پیمان طراحی و مهندسی، تأمین مصالح و تجهیزات، ساختمان و نصب (EPC) ۱۴۰۳ برای کارهای صنعتی، در صورت وقوع اختلاف، طرفین باید در بدو امر نهایت کوشش خود را جهت حل اختلاف به‌کار گیرند و در صورت عدم حصول نتیجه، ملزم به ارجاع موضوع مورد اختلاف به کمیته می‌باشند. در پاسخ به این پرسش که معیار «نهایت کوشش طرفین» چیست، سند موجود مانند سایر اسنادی که در مورد حل اختلاف هستند، نظیر معاهدات بین‌المللی و قراردادهای نفتی، پاسخ روشنی ارائه نداده است. علی‌رغم این سکوت، با توجه به مراحل بعدی حل و فصل اختلاف طبق سند، می‌توان تمام اقداماتی که قبل از طرح



موضوع اختلاف در هیأت حل اختلاف دستگاه مرکزی کارفرما و داوری در راستای حل و فصل اختلاف انجام می‌شود را در صورتی که با حسن‌نیت همراه باشد، نهایت کوشش طرفین به شمار آورد. با اینکه در حال حاضر حسن‌نیت در بیشتر کشورها پذیرفته شده، ولی تعریف واحدی از آن ارائه نشده است (برومند و دیگران، ۱۳۹۹: ۴). این تلاش‌ها همچنین شامل تمامی اقداماتی همچون مذاکره، مشاوره با وکیل یا کارشناسان حقوقی، استفاده از روش‌های میانجی‌گری و موافقت‌نامه‌ها نیز می‌باشد. در خصوص حسن‌نیت که اساسی‌ترین مؤلفه برای حل و فصل اختلافات قبل از ارجاع به کمیته پیشگیری و رسیدگی به اختلافات می‌باشد، می‌توان معیارهایی چون تعهد و صداقت^۲، حفظ روابط^۳ و استفاده از روش‌های متعدد^۴ را مبنا قرار داد. پس از احراز این موضوع که طرفین نهایت کوشش با حسن‌نیت خود را برای حل اختلاف به‌کار گرفته‌اند، در صورت عدم حصول نتیجه، کارفرما یا پیمانکار می‌تواند موضوع را با ارائه مستندات به کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف در حل اختلافات قراردادی وزارت نفت ارجاع دهد. موضوع قابل توجه این است که این کمیته اجباراً وجود خواهد داشت؛ چراکه بند ۱ ماده ۷۵ شرایط عمومی پیمان‌های EPC، طرفین را موظف به تشکیل کمیته به‌وسیله معرفی نمایندگان خود ظرف ۲۸ روز از تاریخ شروع اعتبار پیمان نموده است. لذا در صورت عدم حصول توافق در مرحله قبل و بقای اختلاف، کمیته دائمی که صرفاً مختص به شرایط اختلاف نیست، به‌عنوان مرجع حل و فصل اختلاف بین طرفین وارد فرآیند اختلاف شده و کارش را آغاز می‌کند.

۲. هدف غایی طرفین، باید حل اختلاف به شکل منصفانه باشد. تشخیص این امر، با توجه به درونی بودن اهداف اصلی، اندکی دشوار به نظر می‌رسد؛ اما با عنایت به جمیع تلاش‌های طرفین، قابل استنباط است.

۳. طرفین باید در حل اختلافات خود به نگرانی و حفظ روابط خود با یکدیگر توجه داشته باشند. بنابراین، تلاش در راستای خصمانه نمودن روابط یا گسترش اختلافات و کاستی و قصور در حل اختلاف، منجر به تضعیف روابط طرفین شده و از مصادیق عدم وجود حسن‌نیت به شمار می‌رود.

۴. یعنی اگر مذاکرات اولیه در راستای حل اختلاف به بن‌بست رسید، طرفین روش‌های دیگری را به‌کار گیرند. از متداول‌ترین روش‌ها، می‌توان به میانجی‌گری، پای‌مردی یا مساعی‌جمیله و سازش اشاره نمود که در عرصه بین‌المللی در راستای حل و فصل اختلاف بین تابعان حقوق بین‌الملل به‌کار گرفته می‌شوند.



۲-۲) وظایف کمیته

صلاحیت کمیته صرفاً در زمان بروز اختلاف بین طرفین نیست و در موارد عدم اختلاف نیز کمیته می‌تواند حضور مؤثری داشته باشد. دو دسته‌ی کلی از وظایف را می‌توان برای کمیته در نظر گرفت که در این قسمت، به آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۲-۱) وظایف کمیته در شرایط عدم اختلاف

این مسئله که نقش کمیته، منحصر به بروز اختلاف نیست و در شرایط عدم اختلاف نیز کمیته می‌تواند وظایفی داشته باشد، توجیه‌کننده‌ی حضور اعضای کمیته و تشکیل کمیته از ابتدای پیمان و مشروط نکردن آن به بروز اختلاف است. من‌حیث‌المجموع، حضور کمیته در تمام مراحل پیمان، به پیشبرد بهتر تصمیمات اعضای پیمان کمک کرده و نوعی پشتوانه جهت تضمین نسبی مفاد پیمان می‌باشد.

برای کمیته پیش از بروز اختلاف، دو نقش کلی قابل تصور است: در یک حالت، طرفین پیمان در صورتی که احتمال دهند موضوعی در وضعیت فعلی وجود دارد که ممکن است در آینده طرفین را در وضعیت اختلاف قرار دهد، می‌توانند به‌طور مشترک از کمیته درخواست ارائه نظرات مشورتی نمایند. نظریه مشورتی می‌تواند به طرفین در روند اجرای تعهدات و اتخاذ تصمیم درست یاری برساند. در خصوص اینکه نظریه مشورتی کمیته پس از ارائه لازم‌الاجرا خواهد بود یا خیر، حکم صریحی وجود ندارد؛ از جهاتی، بنا به اصول کلی نظریه مشورتی رایج، برای طرفین هیچ الزامی به اجرای این نظریات نیست و از جهاتی دیگر، طرفین به‌طور مشترک خواستار ارائه نظریه مشورتی شده‌اند؛ لذا اراده هر دو طرف در ارائه نظریه مشورتی وجود داشته و می‌توان نتیجه اعمال اراده را، الزام طرفین به پذیرش و اجرای نظرات کمیته دانست. لکن می‌توان اظهار داشت در شرایطی که ماهیت کمیته غیر الزام‌آور بوده و نتیجه ارجاع اختلاف به آن، الزاماً حل و فصل اختلاف نیست و متن سند، پیش‌بینی کرده که حتی اگر یکی از طرفین پیمان نظرات کمیته را نپذیرد، موضوع توسط نهادهای دیگر رسیدگی می‌شود، به طریق اولی نمی‌توان نظریه مشورتی کمیته را الزام‌آور دانست، ولو آنکه طرفین خود مبادرت به درخواست ارائه



نظریه مشورتی از کمیته کرده باشند.

طریق دیگر ورود کمیته در شرایط عدم اختلاف، تکلیفی است که مطابق سند بر عهده کمیته قرار داده شده است. کمیته مکلف است در صورت مواجهه با مسائلی که پیش‌بینی می‌کند در آینده منجر به اختلاف بین طرفین می‌گردد، موضوع را به اطلاع طرفین برساند. حسن‌اجرای این تکلیف نیازمند داشتن اطلاعات و تجربه از اختلافات و چرایی حدوث آن‌ها در قراردادهای نفتی مشابه است (Oil and Gas Disputes Survey, 2021: 13). علی‌رغم آنکه سند تصریح نکرده که صرف اعلام موضوع به طرفین، تکلیف را از کمیته ساقط می‌نماید یا علاوه بر اعلام موضوع به طرفین، نسبت به ارائه نظریه مشورتی و پیشنهاداتی با اراده خود کمیته نیز الزام وجود دارد، به نظر می‌رسد که سند صرف اطلاع به اعضا را به‌عنوان وظیفه اجباری کمیته برشمرده و کمیته تکلیفی به ارائه راهکار برای پیشگیری از حل‌وفصل اختلاف ندارد؛ لکن از آنجایی که هدف از تأسیس نهاد کمیته، از طریق اطلاع صرف موضوع توسط کمیته محقق نمی‌گردد، با وجود عدم تصریح ارائه راهکار حل‌وفصل اختلاف توسط کمیته در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد کمیته باید راه‌حل پیشنهادی خود را نیز ارائه دهد.

۲-۲-۲) وظایف کمیته در شرایط بروز اختلاف

هر یک از طرفین، صلاحیت ارجاع موضوع مورد اختلاف را به همراه ارائه مدارک و مستندات مربوطه به کمیته خواهند داشت. البته مشروط به رعایت بخش اول ماده ۷۵ سند که به‌کارگیری نهایت کوشش طرفین برای حل‌وفصل اختلاف را ضروری دانسته و در شرایط عدم توافق برای حل اختلاف، موضوع قابلیت ارجاع به کمیته را می‌یابد.

بخش ۷۵-۱-۱ از سند حاضر، به شکل واضحی به این موضوع نپرداخته و به نظر می‌رسد امکان بیان آن به شکل ساده‌تری نیز وجود دارد؛ لکن فحوای کلی آن، ارجاع اختلافات ناشی از قرارداد یا در ارتباط با قرارداد است که بین طرفین شکل می‌گیرد. همچنین حصری نبودن اختلافات قابل ارجاع به موارد مندرج در سند مورد توجه قرار گرفته است؛ اما در متن سند هم به برخی اختلافات قابل ارجاع به کمیته اشاره شده است.



از موارد اختلافات قابل ارجاع به کمیته مطابق سند، می‌توان به اختلافات پیرامون عدم اظهارنظر کارفرما در مورد اصلاحات در اسناد (بند ۲ ماده ۳)، اختلاف در مورد عدم تصویب اسناد توسط کارفرما (جزء ۲ بند ۳ ماده ۷ و ماده ۴۹)، اختلاف در مورد استاندارد تجهیزات پیمانکار (جزء ۶ بند ۲ ماده ۲۸)، اختلاف در مورد تحویل محل اجرای پروژه (تبصره بند ۴ ماده ۴۰)، اختلاف در مورد تغییر کار (تبصره جزء ۴ بند ۴ ماده ۴۹)، اختلاف در مورد نتیجه آزمایش و بازرسی‌ها (بند ۹ ماده ۵۱)، اختلاف در مورد پذیرش صورت وضعیت قطعی (جزء ۱ بند ۲ ماده ۵۷)، اختلاف در مورد مبلغ صورت وضعیت قطعی (جزء ۳ بند ۲ ماده ۵۷)، اختلاف در ارتباط با عدم اظهارنظر کارفرما در مورد شروع آزمایش‌ها (بند ۳ ماده ۵۹)، اختلاف در مورد نواقص اعلام‌شده توسط کارفرما (جزء ۱ بند ۳ ماده ۶۰)، اختلاف در مورد تمدید پیمان (تبصره جزء ۲-۱ بند ۱ ماده ۶۴)، اختلاف در مورد توقف کار (تبصره جزء ۱ بند ۲ ماده ۶۵)، تعیین تکلیف خاتمه پیمان (بند ۲ ماده ۶۹) و اختلاف در مورد حوادث قهری (جزء ۳ بند ۱ ماده ۷۳) اشاره کرد.

۳-۲) شرایط ارجاع موضوع اختلاف به کمیته

برای ارجاع موضوع مورد نظر به کمیته، پیمان شرایط ویژه و خاصی بیان نکرده است. از متن سند پیمان بر می‌آید که اگر طرفین نهایت کوشش خود را با حسن‌نیت برای حل اختلاف به‌کار برده باشند و اختلاف بین آن‌ها حل‌وفصل نشده باشد، کمیته، مرجع صالح به رسیدگی می‌باشد. در این خصوص، دو موضوع قابل بررسی است:

اولاً در ماده ۷۵، برای روش حل‌وفصل اختلافات از طریق مذاکره، از لفظ «باید» استفاده شده است. بنابراین، پیش‌نیاز طرح موضوع مورد اختلاف در کمیته، انجام مذاکرات طرفینی است (Gilbert, 2021: 3). مکتوب بودن مذاکرات یا اقدامات اولیه و هماهنگی‌های طرفین برای مذاکره، برای اثبات تحقق این پیش‌نیاز و تسریع در فرآیند آن، گامی مؤثر و در برخی موارد مهم، ضروری است.

ثانیاً برخی موارد اختلافی در متن پیمان تصریح شده که مطابق آن، یکی از طرفین یا هر دو



می‌توانند موضوع را به کمیته ارجاع دهند؛ اما به مذاکره یا به‌کار بردن نهایت کوشش طرفین برای حل موضوع مورد اختلاف به‌عنوان پیش‌نیاز طرح موضوع در کمیته، اشاره‌ای نشده است. پرسش این است که در این موارد، طرفین می‌توانند بدون مذاکرات اولیه، موضوع را مستقیماً در کمیته طرح کنند یا در این موارد هم تشریفات مذاکره و معیار به‌کار بردن نهایت کوشش طرفین باید رعایت شود؟

در مواردی که متن پیمان، ارجاع موضوع اختلاف به کمیته را بدون تصریح به شرط مذاکره پیش از طرح موضوع در کمیته بیان کرده است، به شرایط دیگری اشاره داشته که در حکم مذاکره و تلاش برای توافق بین طرفین بوده است. از جمله اینکه بیان شده که اگر پس از مکاتبه طرفین، در خصوص موضوع مدنظر به توافق نرسند یا یک طرف با نظر طرف دیگر موافق نباشد، هر یک از طرفین یا یکی از آن‌ها مجوز طرح موضوع در کمیته را خواهد داشت. همچنین در مواردی، مهلت‌هایی برای اعلام نظر طرف مقابل در خصوص موضوع طرح‌شده توسط یکی از طرفین پیش‌بینی شده که در صورت انقضای آن، موضوع جواز طرح در کمیته را می‌یابد. مانند تبصره جزء ۱ بند ۳ ماده ۶۰، تبصره بند ۳ ماده ۵۹، جزء ۴ بند ۴ ماده ۴۹ و موارد مشابه. در صورت وجود شرط مذاکره و به‌کار بردن نهایت کوشش طرفین برای حل موضوع مورد اختلاف و عدم حصول نتیجه، هر یک از طرفین می‌توانند موضوع اختلاف را به کمیته ارجاع دهند. البته در برخی موارد، امکان ارجاع و بررسی موضوع در کمیته، صرفاً برای یکی از طرفین (غالباً پیمانکار) قابل تحقق است. از جمله موارد مندرج در بند ۲ ماده ۳ پیمان، جزء ۶ بند ۲ ماده ۲۸ و جزء ۱ بند ۳ ماده ۶۰.

در صورت وجود شرایط طرح موضوع در کمیته، درخواست‌کننده باید مدارک و مستندات مربوطه را نیز در اختیار اعضای کمیته قرار دهد؛ لکن مشخص نیست که در صورت فقدان یا نقص مدارک ارائه‌شده توسط درخواست‌کننده، کمیته ضمن شروع رسیدگی، تکمیل اسناد توسط طرفین را خواهد خواست و یا تا زمان تکمیل نهایی مستندات مربوطه، از شروع رسیدگی ممانعت به عمل می‌آید. به نظر می‌رسد به علت محدود بودن مدت زمان قرارداد و اجرای پروژه و همچنین الزامی نبودن پذیرش نظرات کمیته برای طرفین و متعاقباً عدم وجود بیم تضییع حق یکی از



طرفین، بهتر آن است که برای عدم توقف و تأخیر در عملیات، کمیته رسیدگی را آغاز کرده و آن را منوط به تکمیل مدارک توسط درخواست‌کننده ننماید.

۳. مقایسه کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف با سایر نهادها

۳-۱) مقایسه کمیته با نهادهای مشابه

در مورد سابقه این کمیته در اسناد مشابه داخلی و خارجی، توجه به دو مورد حائز اهمیت است: نخست هیأتی شبیه به این کمیته در شیوه‌نامه شرایط عمومی و خصوصی پیمان‌های مهندسی، تأمین کالا و تجهیزات، ساختمان و نصب به صورت توأم (EPC) سال ۱۳۸۱، در ماده ۷۵ و قسمت حل اختلاف دیده شده که متشکل از نماینده وزیر یا بالاترین مقام کشوری سازمان کارفرما و نمایندگان دو طرف پیمان بوده و مطابق با متن شیوه‌نامه، تصمیمات این هیأت الزام‌آور نبوده و در صورتی که نسبت به مورد اختلاف توافق حاصل نشود، موضوع باید در دادگاه‌های صالحه ایران حل و فصل گردد. البته این هیأت تفاوت‌های زیادی با کمیته مورد بحث دارد و گویا بیشتر شبیه به نوعی داوری است. پس از انتشار نشریه ۵۴۹۰ (ضوابط اجرای روش طرح و ساخت در پروژه‌های صنعتی) مصوبه هیأت وزیران به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در سال ۱۳۸۱، با توجه به خاص بودن مسئله نفت در ایران و اهمیت تنظیم قراردادهای نفتی مهندسی، طراحی و ساخت (EPC)، وزارت نفت برای قراردادهای پیمانکاری نفت، در سال ۱۳۹۱ نمونه قرارداد الزامی جداگانه‌ای تنظیم کرد که تفاوت‌های جزئی با نسخه ۵۴۹۰ دارد (اسداله‌نژاد رنجبر و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۳۴). شرایط عمومی پیمان‌های مهندسی، تأمین کالا و تجهیزات به صورت توأم (EP) برای کارهای صنعتی مصوب ۱۳۸۳ نیز چنین سازوکاری را برای حل اختلاف بین طرفین پیش‌بینی کرده است.

قرارداد همسان EPC سال ۱۳۹۶، استفاده از شیوه‌نامه حل اختلافات قراردادی وزارت نفت مصوب ۱۳۹۳ را برای حل اختلافات پیش‌بینی کرده که از هیأتی به نام هیأت حل اختلاف سخن گفته است که به استناد جزء ۶ بند (ب) ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، با هدف پرهیز از طولانی شدن اختلافات و یا لاینحل ماندن آن‌ها و جلوگیری از توقف پروژه‌ها و ممانعت



از ایجاد زمینه‌های بروز فساد، تشکیل شده است (مجموعه مقررات هیأت حل اختلاف قراردادی، ۱۴۰۳). در EPC مصوب ۱۳۹۸ نیز همانند سند سال ۹۶، شیوه‌نامه حل اختلافات قراردادی وزارت نفت مورد توجه قرار داده شده است. به عقیده برخی نویسندگان، این شیوه‌نامه ماهیت مشخصی ندارد؛ چراکه نه تحت سازش و میانجی‌گری می‌گنجد و نه داوری (صفری و بادکوبه هزاوه، ۱۴۰۰: ۱۶۴).

در EPC سال ۱۴۰۳، نامی از این هیأت و یا شیوه‌نامه حل اختلافات قراردادی وزارت نفت، مشاهده نمی‌گردد؛ لکن به دلیل انعقاد قراردادهایی که تاریخی مقدم بر تاریخ سند همسان فعلی دارند و در نتیجه مقرراتشان تحت شمول اسناد همسان سابق است، هیأت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، کمافی‌السابق به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

مورد دوم کتاب نقره‌ای فیدیک^۵ است که مختص شرایط پیمان پروژه‌های مهندسی، تدارکات و ساخت می‌باشد. از سال ۱۹۹۹، فیدیک، تشکیل هیأت تخصصی حل اختلاف را در قرارداد پیش‌بینی کرد و کارفرمایان و پیمانکاران را ملزم به رعایت مقرره‌های مربوط به این کمیته در قرارداد نمود. این مسئله، یکی از بزرگترین نوآوری‌های فدراسیون به حساب می‌آید، چراکه این هیأت شبیه به داوری، اما در بین سایر روش‌ها، دارای مزایای بیشتری نسبت به آن است (انیسی، ۱۳۸۹: ۵).

۵. فدراسیون بین‌المللی مهندسان مشاور (فیدیک) سازمانی جهانی است که استانداردهای بین‌المللی برای قراردادهای صنعت ساخت‌وساز را تدوین می‌کند. این سازمان با هدف بهبود فضای کسب‌وکار و حمایت از منافع شرکت‌های مهندسی مشاور در سراسر جهان فعالیت می‌کند.

فیدیک برای سهولت در تشخیص و استفاده از قراردادهای خود، هر یک از نمونه قراردادهای را با رنگی متمایز مشخص کرده است:

کتاب قرمز: مناسب برای قراردادهای ساخت‌وساز که طراحی توسط کارفرما انجام شده است.

کتاب زرد: برای پروژه‌هایی که طراحی و ساخت توسط پیمانکار انجام می‌شود.

کتاب سبز: فرم کوتاه قراردادی برای پروژه‌های کوچک با ارزش سرمایه‌گذاری کم.

کتاب نقره‌ای: مناسب برای پروژه‌هایی که پیمانکار، مسئولیت کامل طراحی، تامین تجهیزات و ساخت را بر عهده می‌گیرد.

کتاب طلایی: مناسب برای پروژه‌هایی که شامل طراحی، ساخت و بهره‌برداری هستند.



برخلاف هیأت حل اختلاف فعلی وزارت نفت، این نهاد حل و فصل اختلاف، ماهیتی مشابه با کمیته مندرج در شرایط عمومی پیمان ۱۴۰۳ وزارت نفت را دارا است. آخرین ویرایش کتاب نقره‌ای فیدیک، در سال ۲۰۱۷ بوده که مطالب مربوط به حل اختلاف و به‌ویژه کمیته در سند ۱۴۰۳ وزات نفت، در مواردی با آن مشابه می‌باشد. از جمله اینکه در هر دو سند، بر لزوم تلاش برای توافق در راستای حل و فصل اختلافات ایجاد شده، تأکید داشته است. شرایط عمومی فیدیک همچنین پیش‌بینی کرده که انتخاب اعضای هیأت حل اختلاف، منوط به وقوع اختلاف بین طرفین نیست و پس از تشکیل پیمان، تا ۲۸ روز، هیأت حل اختلاف مذکور باید تشکیل گردد. شرایط مذکور، کمیته پیش‌بینی‌شده در شرایط عمومی پیمان وزارت نفت را به ذهن متبادر می‌سازد.

شکل ارجاع موضوع نیز در هر دو نهاد مشابه است و طرفین با درخواست کتبی مستدل، خواستار حل و فصل اختلافات از نهاد موردنظر می‌شوند. به علاوه، این نهاد، همانند کمیته، علاوه بر حل و فصل اختلافات، می‌تواند در پیشگیری از اختلافات هم مؤثر بوده و نظریه مشورتی ارائه دهد. اعضای نهاد حل و فصل پیش‌بینی‌شده در فیدیک، موظف‌اند ظرف ۸۴ روز از ارجاع اختلافات، در خصوص موضوع اظهارنظر کنند و می‌توانند تا زمان پرداخت دستمزدشان، از ارائه رأی خودداری نمایند. لکن در پیمان حاضر وزارت نفت، مهلت مذکور برای اعضای کمیته، ۲۸ روز بوده و منوط به پرداخت دستمزد اعضای کمیته نیست.

من‌حیث‌المجموع، یکی از تفاوت‌های بنیادین دو سند، پیش‌بینی سازوکار حق‌الزحمه اعضای نهاد حل اختلاف مربوطه در فیدیک و عدم پیش‌بینی این موضوع برای کمیته در پیمان فعلی EPC وزارت نفت می‌باشد. در همین خصوص، باید بیان داشت که مطابق سند فیدیک، هر یک از طرفین مسئول پرداخت نیمی از حق‌الزحمه اعضای نهاد حل اختلاف می‌باشند؛ درحالی‌که اساساً به چنین موضوعی در سند فعلی ایران اشاره‌ای نشده است.

۲-۳) مقایسه کمیته با شیوه‌های جایگزین حل اختلافات

شیوه‌های جایگزین حل اختلافات (ADR)^۶ به روش‌ها و راهکارهایی اطلاق می‌شود که به جای



حل و فصل اختلافات از طریق رسیدگی حقوقی، اختلافات به روش‌های دوستانه مانند کارشناسی، دادرسی خصوصی، میانجی‌گری و داوری حل و فصل می‌شود (شیروی، ۱۴۰۲: ۵۷). در این بخش، به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف با شیوه‌های جایگزین حل اختلاف می‌پردازیم.

۳-۲-۱) مقایسه کمیته دائمی و کارشناسی

در برخی قراردادهای، طرفین ترجیح می‌دهند که برخی از مسائل و مشکلاتی را که عمدتاً جنبه فنی و حرفه‌ای داشته و مستلزم اظهارنظر قضایی و حقوقی نیست، به کارشناس ارجاع دهند. نظر کارشناسی، لازم‌الاجرا نیست و معمولاً ناظر به بررسی موضوعی یک جنبه از مسئله مورد اختلاف است. این روش، یا در قرارداد پیش‌بینی می‌شود و یا طرفین بعداً در مورد آن توافق می‌کنند (شیروی، ۱۴۰۱: ۵۵۲).

در خصوص شباهت‌های روش کارشناسی و کمیته، می‌توان گفت که نظر هیچ یک از این دو نهاد برای طرفین الزام‌آور نیست؛ هرچند طرفین می‌توانند بر قاطع بودن نظریه کارشناسی توافق کنند، اما بدون تصریح، نظر کارشناسی فی‌نفسه لازم‌الاجرا نیست. به همین دلیل، در صورتی که طرفین نظریه کارشناسی (البته در چنین حالتی، رسیدگی کارشناسی حکم داور پیدا می‌کند) را نپذیرند، از سایر طرق حل و فصل اختلاف، بهره می‌جویند. در کمیته نیز در صورت عدم توافق بر نظر کمیته، طرفین به لایه‌های بعدی حل و فصل اختلاف مندرج در سند همسان پیمان‌های EPC توسل می‌جویند.

شباهت بعدی این است که در کارشناسی، عمدتاً مسائلی که جنبه فنی و تخصصی داشته باشند مورد رسیدگی قرار می‌گیرند و رأی کارشناسی، حاوی اظهارنظر تخصصی است. در ارجاع اختلافات به کمیته نیز در صورتی که موضوع، حاوی مسائل فنی و تخصصی باشد، کمیته با بهره‌گیری از نظرات تخصصی مراجع فنی و استناد به آن‌ها و در صورت لزوم، با ارجاع موضوع به کارشناس بی‌طرف، به موضوع رسیدگی کرده و نظر خود را اعلام می‌کند. از جمله تفاوت‌های این دو نهاد، اجباری و اختیاری بودن آن‌ها است. به تصریح سند همسان



پیمان‌های EPC، طرفین موظف به تشکیل کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف هستند. اما کارشناسی، علی‌الاصول نهادی اختیاری و توسل به آن، منوط به توافق طرفین است. ضمن اینکه کمیته از ابتدای پیمان و همراه با انعقاد قرارداد موجود بوده و طرفین نهایتاً ۲۸ روز پس از اعتبار پیمان، موظف به معرفی نمایندگان خود در کمیته هستند؛ اما کارشناسی به‌عنوان روش حل‌وفصل اختلاف، می‌تواند در قرارداد درج شود و یا اینکه طرفین بعداً و در زمان بروز اختلاف، آن را مورد توافق قرار دهند.

۳-۲-۲) مقایسه کمیته دائمی و دادرسی خصوصی

دادرسی خصوصی (دادرسی مختصر یا شبه‌دادرسی^۷ یا ارزیابی بی‌طرفانه^۸) یکی از روش‌های جایگزین حل اختلاف است که نسبت به سایر روش‌ها، از قدمت کمتری برخوردار است. دادرسی خصوصی، به فرآیندی اطلاق می‌شود که به موجب آن، نمایندگان تام‌الاختیار طرفین دعوا، اقدام به تشکیل یک جلسه دادرسی خصوصی با حضور شخص ثالث بی‌طرفی می‌کنند. در این جلسه، ثالث بی‌طرف ضمن بیان نکات و مسائل حقوقی، به طرفین کمک می‌کند با ارزیابی موقعیت خود در یک دادرسی واقعی، نسبت به نحوه رفع اختلاف گفت‌وگو کنند (شیروی، ۱۴۰۱: ۵۵۶). از شباهت‌های این نهاد با کمیته دائمی، می‌توان به وجود شخصی ثالث در جریان رسیدگی اشاره کرد. در کمیته نیز مانند دادرسی خصوصی، علاوه بر نمایندگان طرفین، فردی مسلط به امور پیمان‌ها با توافق طرفین به‌عنوان نفر سوم انتخاب می‌شود که بی‌طرف بوده و ریاست کمیته را بر عهده دارد.

شباهت دیگر دو نهاد، رسیدگی سریع است. دادرسی خصوصی، باید کوتاه باشد. این مدت، بسته به میزان پیچیدگی پرونده تعیین می‌شود و بیشتر از ۹۰ روز نخواهد بود (شیروی و عبداللهی، ۱۳۹۷: ۱۶۸ - ۱۶۹). در کمیته نیز رسیدگی به موضوع مورد اختلاف، طولانی نیست و کمیته موظف است نهایتاً ظرف مدت ۲۸ روز از تاریخ وصول درخواست رسیدگی به اختلاف،

7. Mini-trial

8. Neutral evaluation



نظر خود را به طرفین اعلام کند.

در دادرسی خصوصی، هدف اصلی صدور حکم نیست؛ بلکه تبیین جنبه‌های قضایی موضوع مورد اختلاف برای طرفین و ایجاد چشم‌اندازی از جایگاه آن‌ها در مسئله مورد نظر برای رسیدن به مصالحه با پیش‌بینی رأی قاضی در فرض رسیدگی دعوا در دادگاه است و به طرفین کمک می‌کند تا با درک بهتر جایگاه خود در اختلاف مطروحه، به تصمیمات صحیح‌تری نائل آیند. اما کمیته دائمی، به ارائه و اعلام نظرات خود به طرفین مبادرت می‌ورزد و نقش گفت‌وگوی طرفین در این مرحله از رسیدگی، چندان بارز نیست.

تفاوت دیگر این است که در جلسات دادرسی خصوصی، نمایندگان و وکلای طرفین حضور دارند و وکلا به ارائه دفاعیات می‌پردازند و پس از دفاعیات، نمایندگان طرفین در حضور ثالث بی‌طرف، به گفت‌وگو می‌پردازند. اما در کمیته دائمی، چنین جلسات رسیدگی به معنای خاص تشکیل نمی‌شود و صرفاً اعضای کمیته در جلسه مربوط به خود، به بررسی موضوع مورد اختلاف پرداخته و نظرشان را اعلام می‌کنند.

۳-۲-۳) مقایسه کمیته دائمی و میانجی‌گری

میانجی‌گری^۹ روشی است که در آن، شخص ثالثی سعی دارد اختلافات میان طرفین را بدون ارائه راهحل خاصی فیصله دهد. نظر میانجی، هیچ‌گونه قدرت الزامی نداشته و جنبه مشورتی دارد و طرفین در حل اختلاف، ملزم به اطاعت از آن نیستند (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۴۹۱).

هرچند از این عبارت برداشت‌های گوناگونی می‌شود و در سطح بین‌المللی، برای این اصطلاح یکپارچگی معنایی وجود ندارد (Pritchard and Scriven, 2011: 116)، اما در اکثر برداشت‌ها، بر حضور شخص ثالثی به‌عنوان آشتی‌دهنده (بدون ارائه راهحل از سوی او) تأکید شده است.

شباهت کمیته دائمی و میانجی‌گری، عدم امکان تحمیل نظرات بر طرفین است. میانجی‌گر، تنها مجاز است تلاش کند طرفین به راهحلی دوستانه برسند و نمی‌تواند راهحلی را بر طرفین تحمیل کند. کمیته دائمی نیز چه در مقام پیشگیری از اختلاف و ارائه نظرات مشورتی، و چه در مقام



رسیدگی به اختلاف و اعلام نظر، نمی‌تواند نظرش را بر طرفین تحمیل کند و چنانچه حتی یکی از طرفین پیمان نظر کمیته را نپذیرد، موضوع به سایر روش‌های مندرج در شرایط عمومی پیمان EPC ارجاع می‌شود.

تفاوت این دو نهاد، در این است که در میانجی‌گری، شخص ثالث، به ارائه راه حل نمی‌پردازد. وی به عنوان میانجی‌گر، به طرفین کمک خواهد کرد تا خودشان به راه حل دوستانه‌ای برسند؛ اما کمیته دائمی، به ارائه راه حل و اعلام نظرات خود می‌پردازد و نظر این نهاد، منعکس‌کننده خواست دقیق و کامل هیچ یک از طرفین نیست. همچنین، این نظر اعلام شده، با رأی اکثریت آرا اتخاذ شده و نظر طرفین، در آن نقشی نداشته است. هرچند این تصمیم حاصل رأی و نظرات نمایندگان هر یک از طرفین در کمیته است، اما برخلاف روش میانجی‌گری، حاصل نظرات مستقیم هیچ یک از طرفین نیست.

۳-۲-۴) مقایسه کمیته دائمی و داوری

داوری، یک دادرسی خصوصی مورد تأیید قانون است که به موجب آن، یک یا چند فرد مستقل، دعوا را استماع کرده و در مورد اختلاف تصمیم می‌گیرند. ارجاع اختلاف به داوری، برخلاف دادگاه، مستلزم توافق طرفین است که ممکن است قبل یا بعد از بروز اختلاف انجام گیرد (شیروی، ۱۴۰۰: ۶۴۵-۶۴۶).

شباهت داوری و کمیته دائمی، این است که در هر دو نهاد، فرد یا افرادی به غیر از طرفین، به اعلام تصمیم نهایی مبادرت می‌ورزند و طرفین مستقیماً در راه حل‌های ارائه شده، نقشی ندارند. همچنین در صورتی که هیأت داوری پیش‌بینی شده باشد، مانند کمیته دائمی، هر یک از طرفین موظف به معرفی نمایندگان خود هستند و شخص ثالثی که در داوری، عنوان «سرداور» و در کمیته دائمی، عنوان «رئیس کمیته» را دارد، نماینده خاص هیچ یک از طرفین نیست. همچنین، اگر نقش رسیدگی به اختلاف کمیته را در نظر بگیریم، در هر دو نهاد، رسیدگی به اختلاف با درخواست یکی از طرفین آغاز می‌شود.

در بند ۷۵-۱-۳ شرایط عمومی پیمان EPC، صراحتاً بیان شده است که رسیدگی به اختلافات



در کمیته دائمی، جنبه داوری نداشته و طرفین پیمان، در پذیرش و رد نظرات کمیته، مخیر هستند. بنابراین، از مهم‌ترین تفاوت‌های دو نهاد، لازم‌الاجرا بودن رأی داوری و متعاقباً، امکان تقاضای اجرای آن بدون به‌کارگیری سایر روش‌های حل و فصل اختلاف است؛ درحالی‌که نظرات کمیته قابلیت الزام‌آور نداشته و طرفین یا یکی از آن‌ها می‌توانند نظرات اعلام‌شده را نپذیرند و به سایر روش‌های پیش‌بینی‌شده در ماده ۷۵ شرایط عمومی برای حل اختلاف توسل جویند. البته در یک حالت، طرفین ملزم به تبعیت از نظرات کمیته برای مدت محدودی هستند. در صورت عدم پذیرش نظرات کمیته از سوی یکی از طرفین و توسل به مراجع بعدی حل اختلاف مندرج در سند، نظر کمیته تا زمان اظهارنظر آن مراجع، برای طرفین ملاک عمل خواهد بود. این امر، برای جلوگیری از تعطیلی پروژه در این بازه، ضروری است.^{۱۰}

همچنین رأی داور، دارای اعتبار امر مختوم بوده و پس از اینکه رأی توسط داور صادر شود، امکان طرح مجدد آن در هیچ مرجع رسیدگی دیگری (اعم از داوری و غیره) وجود نخواهد داشت؛ زیرا مراعات نظم عمومی می‌طلبد که برای هر دعوایی، نقطه پایانی وجود داشته باشد و مسیر رسیدگی به دعوا نامتناهی نباشد (مافی و تاری، ۱۳۹۴: ۱۵۰ و ۱۵۱). این در حالی است که نظر کمیته، واجد اعتبار امر مختوم نیست و می‌توان برای بررسی مجدد همان موضوع، به سایر شیوه‌های حل اختلاف نیز توسل جست.

تفاوت بعد، در شرایطی قابل بررسی است که طرفین در مورد شخص ثالث (سرداور در داوری و رئیس کمیته در کمیته دائمی) به توافق نرسند. در صورت عدم حصول توافق در خصوص شخص ثالث، نهاد تعیین سرداور، دادگاه است، اما در کمیته دائمی برای حل این اختلاف، سازوکار ویژه‌ای وجود دارد. در این شرایط، کارفرما موظف است ظرف ۱۴ روز، حداقل ۳ نفر بی‌طرف را به پیمانکار معرفی کند تا وی ظرف ۷ روز، یک نفر از میان آن‌ها را به‌عنوان نفر سوم با سمت رئیس کمیته انتخاب نماید.

آیین رسیدگی و قانون حاکم در داوری و کمیته دائمی نیز از وجوه تفاوت این دو نهاد است.

۱۰. مهم‌ترین مصداق عمل به نظرات کمیته تا تعیین تکلیف نهایی موضوع مورد اختلاف، موضوع تغییر کار است.



در داوری سازمانی، مقررات سازمان و در داوری موردی، مقررات مورد توافق طرفین بر روند داوری حاکم خواهد بود. اما در سند همسان پیمان EPC، مشخص نشده که اعضای کمیته بر اساس چه قوانین و مقرراتی به موضوع رسیدگی خواهند کرد که البته از جمله ضعف‌های این سند بوده و پیشنهاد می‌گردد که در اصلاحات بعدی، در این خصوص تعیین تکلیف گردد.

همچنین اجرای اصل «صلاحیت بر صلاحیت» این فرصت را به دیوان داوری می‌دهد تا در ابتدا درباره صلاحیت خود و هرگونه اعتراض مرتبط با وجود یا اعتبار موافقت‌نامه داوری تصمیم‌گیری کند (حسین‌پور و انصاری، ۱۴۰۳: ۱۷)؛ درحالی‌که کمیته اساساً چنین صلاحیتی را دارا نیست و اصل بر صلاحیت عام کمیته در مسائل گوناگون مرتبط با قرارداد است.

تفاوت دیگر دو نهاد، در لایه بعدی حل و فصل اختلاف است. در داوری، اگر موجبات ابطال رأی داوری وجود داشته باشد و یا حتی اگر رأی داور لازم‌الاجرا شود و به مرحله شناسایی و اجرا برسد، نهاد ابطال‌کننده و یا صدور اجرائیه، دادگاه است. درحالی‌که در کمیته دائمی، در صورت عدم پذیرش نظر کمیته، نهاد بعدی رسیدگی‌کننده، «هیأت حل اختلاف دستگاه مرکزی کارفرما»^{۱۱} و پس از آن، داوری خواهد بود. لازم به ذکر است که داوری پیش‌بینی شده در سند، ذیل داوری به شکل توافقی و در معنای رایج آن نمی‌گنجد و بر اساس شیوه‌نامه داوری ابلاغی سازمان برنامه و بودجه است و می‌توان آن را از مصادیق داوری اجباری^{۱۲} دانست.

به‌عنوان آخرین تفاوت دو نهاد، به نقش پیشگیرانه کمیته دائمی اشاره می‌کنیم. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، کمیته موظف است در صورت مواجهه با مسائلی که احتمال می‌رود در آینده منجر به بروز اختلاف بین طرفین شود، راساً اقدام به اطلاع‌رسانی کند، ولو اینکه طرفین چنین درخواستی نداشته باشند. اما حتی اگر در زمان انعقاد قرارداد بر داوری توافق شود، ولو آنکه داوری مقید^{۱۳} هم باشد، داور وظیفه پیشگیری از اختلافات را ندارد و صرفاً در موارد بروز

۱۱. از ابداعات سند همسان EPC مصوب ۱۴۰۳.

۱۲. منظور از داوری اجباری، داوری است که طرفین دعوا نقشی در ارجاع موضوع اختلاف به داوری ندارند و ارجاع به داور، به حکم قانون صورت می‌گیرد.

۱۳. در شرط یا توافق‌نامه داوری، داور یا داورانی که قرار است رسیدگی کنند، تعیین می‌شوند.



اختلاف، می‌تواند در موضوع دخیل شود.

این مقایسه‌ها، اصالت کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف و تمایز آن از سایر روش‌های حل اختلاف را به خوبی بر ما روشن می‌سازد. ضمن اینکه اساسی‌ترین ویژگی متمایز-کننده کمیته دائمی از تمام شیوه‌های جایگزین حل اختلافات ذکرشده، این است که کمیته، وظیفه‌ی منحصربه‌فرد و ویژه‌ی ارائه نظر مشورتی را دارا است و مکلف می‌باشد در خصوص مواردی که احتمال می‌رود در آینده منجر به بروز اختلاف بین طرفین شود، نظر مشورتی ارائه دهد. طرفین نیز می‌توانند در خصوص مواردی که لازم می‌دانند، از کمیته نظرات مشورتی بخواهند.

۴. مزایا و معایب حل اختلاف در کمیته

کمیته، تأثیر قابل‌توجهی بر روند حل‌وفصل اختلافات بین طرفین دارد. اما محدودیت‌ها و چالش‌هایی نیز دارد که باید در نظر گرفته شوند.

از جمله مزایای حل‌وفصل اختلاف از طریق کمیته، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. گسترش فضای مذاکره: پیش‌نیاز طرح موضوع اختلاف در کمیته، این است که ابتدا طرفین در فضایی غیررسمی با یکدیگر مذاکره کنند. این امر می‌تواند به کاهش موارد ارجاعی به کمیته، حفظ روابط و حل‌وفصل اختلافات از طریق مذاکره کمک کند تا طرفین به توافق دست یابند. همچنین، تأکید بر مذاکره، به حفظ روابط تجاری و حرفه‌ای بین طرفین کمک می‌کند و موجب می‌شود تا اختلافات جزئی، به اختلافات اساسی و پیچیده تبدیل نشوند؛ زیرا در حل موضوع مورد اختلاف از طریق مذاکره، راه‌حل موردنظر، الزاماً حقوقی نیست و صرف توافق طرفین در آن خصوص کافی است. این روش، می‌تواند منجر به تقویت روابط طرفین و پیشگیری از اختلافات آتی نیز شود.

۲. تخصصی بودن: اعضای کمیته معمولاً دارای تجربه و تخصص در زمینه‌های مرتبط هستند؛ بنابراین می‌توانند نظرات فنی و حرفه‌ای ارائه دهند که به تصمیم‌گیری بهتر کمک کند. در جزء ۲ بند ۱ ماده ۷۵ به کمیته فنی و کارشناسانی اشاره شده که در صورت تخصصی بودن موضوع از حیث فنی، مالی و حقوقی، کمیته می‌تواند موضوع را برای تصمیم‌گیری به آن‌ها ارجاع



دهد و یا حداقل نظر آن‌ها را در خصوص موضوع موردنظر جویا شود. از طرفی ایجاد کمیته از زمان شروع پیمان، باعث می‌شود تا کمیته بر روند پیمان و عملیات اجرایی آن تسلط کافی داشته و اعضای آن در جریان امور قرار داشته باشند. بنابراین، در صورت بروز اختلاف، آگاهی از پیشینه اختلاف توسط کمیته، تأثیر به‌سزایی از حیث ماهیت و مدت زمان رسیدگی دارد.

۳. **سرعت در اعلام نظر:** فرآیند حل و فصل اختلاف در کمیته، غالباً سریع‌تر از داوری و سایر طرق حل و فصل اختلاف است؛ زیرا شامل مراحل کمتری است و به زمان کمتری برای رسیدگی نیاز دارد. همچنین، پیمان برای اعلام نظر کمیته به طرفین، مواعیدی را مقرر کرده که منجر به تسریع فرآیند رسیدگی می‌گردد.

۴. **هزینه کمتر:** هزینه‌های مربوط به حل و فصل اختلافات در کمیته، کمتر از هزینه‌های داوری می‌باشد و همچنین ساختار محاسبه و پرداخت آن نیز بسیار ساده‌تر از داوری است (Arbitration Rules, 2017: 51). با استنباط از متن پیمان، می‌توان بیان کرد که هزینه‌های مربوط به ارجاع امور به کمیته که از زمان شروع پیمان ایجاد می‌شود، در هزینه‌های مربوط به خود پیمان محاسبه می‌شود که برای طرفین، به‌صرفه‌تر است. هرچند نحوه محاسبه حق الزحمه اعضای کمیته به تفصیل بیان نشده، اما از مواردی است که باید در شرایط خصوصی پیمان به آن اشاره شود.

۵. **عدم محدودیت در راه‌حل‌ها:** کمیته می‌تواند راه‌حل‌های خلاقانه‌تر و مناسب‌تری ارائه دهد که ممکن است در فرآیند مذاکره، داوری و سایر روش‌های حل و فصل اختلافات، امکان‌پذیر نباشد. فقدان مقررات ویژه برای رسیدگی اعضای کمیته، با وجود اینکه از ضعف‌های این سند به شمار می‌رود، اما می‌تواند به اعضای کمیته این اختیار را دهد که نظراتشان را به تناسب هر موضوع و بدون مقررات محدودکننده، اعلام کنند.

۶. **توجه به نفع شخصی و طولانی‌مدت طرفین:** از آنجایی که اعضای کمیته منتخب طرفین هستند، انتخاب فردی که در شرکت شریک یا سهام‌دار یا دارای سمت مدیریتی است، موجب می‌شود تا تلاش برای حل اختلاف به یک رابطه کاری و مالی صرف و موقت تبدیل نشود؛ بلکه این تلاش در راستای حفظ سرمایه و افزایش آن و ایجاد اعتبار و برقراری یک رابطه طولانی‌مدت



در آینده و اخذ پروژه‌های جدید حداکثری شده و جایگاه استراتژیک بیابد. در واقع عدم خروج اختلاف از این مرحله و مطرح نشدن آن نزد هر نهاد حل اختلاف خارجی، ضامن اعتبار طرفین در عمل به تعهدات خود و حفظ خوشنامی در صنعت است. این موضوع اگرچه قابل اندازه‌گیری مستقیم مالی نیست، اما ارزشی بسیار بالا برای طرفین دارد.

از جمله معایب حل و فصل اختلاف از طریق کمیته نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **عدم الزام‌آوری:** نظر کمیته برای طرفین الزام‌آور نیست؛ بنابراین ممکن است یکی از طرفین، با وجود پذیرش این نظر که منجر به عدم ارجاع موضوع به سایر مراجع حل و فصل اختلاف می‌گردد، مطابق نظر اعلام‌شده از سوی کمیته عمل نکند. یکی از نقدهای اساسی پیمان حاضر، عدم پیش‌بینی ضمانت‌اجرا برای طرفی است که با وجود پذیرش نظر کمیته، مطابق آن عمل نمی‌کند. به نظر می‌رسد در چنین حالتی، می‌بایست مستتکف را از طریق دادگاه به اجرای تعهد ملزم کرد؛ امری که به طولانی شدن فرآیند حل اختلاف می‌انجامد (مجموعه مقالات همایش، ۱۳۹۹: ۱۶۰).

۲. **احتمال عدم حل و فصل اختلاف و اتلاف زمان:** مطابق متن پیمان، کمیته مکلف به رسیدگی موضوعات ارجاعی است، لکن طرفین را موظف به پذیرش نظر کمیته ندانسته است. بنابراین، ممکن است با وجود رسیدگی کمیته، طرفین نظر آن را نپذیرند و به مراحل بعدی حل و فصل اختلاف توسل جویند. در این شرایط، از نظر زمانی، موضوع مورد اختلاف با تأخیر مواجه شده و گویی صرفاً مرحله‌ای بی‌فایده را در کمیته طی کرده است. همچنین تأخیر در حل و فصل اختلافات، می‌تواند هزینه‌های اضافی را بر پروژه و هر یک از طرفین تحمیل کند.

۳. **نیاز به همکاری متقابل طرفین:** اگر یکی از طرفین در ارجاع موضوع به کمیته یا پذیرش نظر کمیته، همکاری لازم را با طرف دیگر به عمل نیاورد، فرآیند رسیدگی توسط کمیته با دشواری بیشتری روبه‌رو خواهد بود. این مشکل در مسیر حل اختلاف داوری یا دادگاه به چشم نمی‌خورد.

۴. **عدم وجود رویه مشخص:** عدم وجود رویه مشخص برای بررسی و رسیدگی به اختلافات در کمیته و همچنین بدیع بودن آن، می‌تواند منجر به عدم انسجام در تصمیم‌گیری‌ها و نتایج متفاوت برای موارد مشابه شود. در متن پیمان، مبنای تصمیم‌گیری کمیته مشخص نشده و به نظر می‌رسد تنها متن شرایط عمومی و خصوصی پیمان و نظرات اعضای کمیته مبنای



تصمیم‌گیری است که این عامل، می‌تواند منجر به اعمال نظرات شخصی و بعضاً غیرمنصفانه بودن تصمیمات همراه با سوگیری‌های یک‌جانبه شود.

۵. تحلیل و تبیین کارکرد نهادهای کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف در صنعت نفت و گاز

با توجه به ویژگی‌های خاص پروژه‌های نفت و گاز که مستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان، همکاری‌های طولانی‌مدت، پیچیدگی‌های فنی و تعدد بازیگران داخلی و بین‌المللی است، نظام حل اختلاف در این صنعت نمی‌تواند صرفاً بر پایه نهادهای سنتی و پسینی استوار باشد. در چنین بستری، کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف، پیش‌بینی‌شده در ماده ۷۵ شرایط عمومی پیمان‌های EPC مصوب وزارت نفت، را می‌توان به‌عنوان پاسخی نهادی به نیاز صنعت نفت ایران برای استقرار سازوکاری چندوجهی و پیشگیرانه دانست.

از منظر تحلیلی، این کمیته را می‌توان «نهاد میان‌سطحی» در صنعت نفت تلقی کرد؛ نهادهای که میان لایه‌ی قراردادی (کارفرما و پیمانکار) و لایه‌ی حاکمیتی (وزارت نفت و مراجع داوری یا قضایی) قرار می‌گیرد و مأموریت دارد تعارضات اجرایی را پیش از تبدیل‌شدن به اختلافات حقوقی مهار کند. این سازوکار، در واقع نهادهای منشعب از مفهوم «Dispute Avoidance and Adjudication» است که در نظام بین‌المللی قراردادهای فیدیک به‌کار گرفته می‌شود، اما در ایران با مقتضیات نظام حقوق عمومی و روابط قراردادی شرکت‌های دولتی و تابعه وزارت نفت سازگار شده است.

ماهیت خاص کمیته در صنعت نفت و گاز از آن جهت برجسته است که اختلافات در پروژه‌های نفتی، غالباً ماهیتی چندبعدی دارند؛ از اختلاف بر سر تأخیر در تأمین تجهیزات یا کیفیت کالا گرفته تا تفسیر شرایط قراردادی، تعدیل قیمت‌ها یا نحوه محاسبه خسارت تأخیرات. در چنین فضایی، ترکیب کمیته که متشکل از نمایندگان دو طرف و یک رئیس بی‌طرف با تخصص حقوقی و فنی است، امکان حل و فصل مسائل را پیش از ورود به دعاوی سنگین فراهم می‌آورد. حضور مستمر این نهاد از آغاز اجرای پیمان، سبب می‌شود کمیته به تدریج به حافظه نهادی پروژه بدل گردد و



با اشراف بر سیر تصمیمات فنی و مالی، از بروز اختلافات پرهزینه جلوگیری کند. از منظر کارکردی، کمیته دائمی واجد دو نقش مکمل است: نخست، نقش پیشگیرانه که به موجب آن کمیته مکلف است در صورت مشاهده زمینه‌های بالقوه اختلاف، موضوع را به اطلاع طرفین برساند و پیشنهاد اصلاح یا تفسیر ارائه دهد و دوم، نقش رسیدگی‌کننده که در صورت بروز اختلاف بالفعل، با استفاده از ظرفیت کارشناسان فنی و حقوقی، نظر خود را به‌عنوان رأی غیرالزام‌آور، اما راهگشا، اعلام می‌کند. این دو نقش، موجب می‌شود کمیته به‌جای نهادی صرفاً قضایی، به سازوکاری مدیریتی و راهبردی برای کنترل اختلافات در پروژه‌های نفتی تبدیل شود. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که گرچه الگوی کمیته با هیأت حل اختلاف فیدیک (DAB)^{۱۴} همسانی دارد، اما در صنعت نفت ایران با اهدافی فراتر از داوری یا میانجی‌گری صرف ایجاد شده است. در فیدیک، هدف اصلی کاهش بار داوری و تسریع در حل اختلافات است، درحالی‌که در مدل وزارت نفت، کمیته علاوه بر این، ابزاری برای نظارت مستمر بر حسن اجرای پیمان، حفظ توازن منافع کارفرما و پیمانکار و جلوگیری از توقف پروژه‌های ملی محسوب می‌شود. از این حیث، کمیته در نظام EPC وزارت نفت را باید نه فقط «ابزار حل اختلاف»، بلکه «ابزار تنظیم‌گری»^{۱۵} دانست که در پی نهادینه‌سازی نظم و انضباط قراردادی در اجرای پروژه‌های کلان است. از دیدگاه اقتصادی و مدیریتی نیز ایجاد کمیته دائمی در پروژه‌های نفت و گاز، به‌ویژه در قراردادهای EPC که در آن تأخیر، تغییر یا اختلاف طرفین در صورت وضعیت‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است، می‌تواند به‌طور مستقیم از اتلاف منابع مالی جلوگیری کرده و استمرار جریان سرمایه و عملیات را تضمین کند. هزینه‌های تأسیس و نگهداری کمیته در مقایسه با هزینه‌های توقف پروژه، داوری بین‌المللی یا دادرسی بسیار ناچیز است؛ از این رو، کمیته را می‌توان از مصادیق «نهادهای کارآمد اقتصادی در بستر حقوقی» تلقی کرد که با رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق نیز توجیه‌پذیر است. با وجود این، ارزیابی نهادی کمیته در وضعیت فعلی نشان می‌دهد که فقدان آیین رسیدگی

14. Dispute Adjudication Board

15. Regulatory Mechanism



مدون، ابهام در مبانی الزام‌آوری نظرات، نبود سازوکار روشن برای حق‌الزحمه اعضا و نیز فقدان نظام گزارش‌دهی عمومی از تصمیمات، می‌تواند مانع تحقق کارکرد واقعی آن شود. چنانچه این چالش‌ها مرتفع گردد، کمیته می‌تواند در عمل به مرجع شبه‌قضایی تخصصی صنعت نفت تبدیل شود؛ نهادی که هم موجب ارتقای پیش‌بینی‌پذیری حقوقی در قراردادهای EPC می‌گردد و هم با کاهش تنش میان کارفرما و پیمانکار، به تداوم جریان عملیات فنی در میادین نفتی و گازی کمک می‌کند.

از این منظر، کمیته دائمی را می‌توان گامی مؤثر در مسیر گذار نظام حقوقی قراردادهای نفتی ایران از «بحران اختلافات» به «نوآوری در حل اختلافات قراردادی» دانست. این نهاد، اگر با اصلاحات ساختاری و مقرراتی همراه شود، قادر است به ابزار سیاست‌گذاری حقوقی وزارت نفت برای تحقق حکمرانی مؤثر در اجرای پروژه‌های انرژی تبدیل گردد؛ نهادی که در عین ماهیت حقوقی، کارکرد اقتصادی و مدیریتی نیز دارد و می‌تواند مدلی از سازوکارهای پیشرفته حل اختلاف در صنایع انرژی جهان را در ایران تثبیت نماید.

۶. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف» مندرج در ماده ۷۵ شرایط عمومی پیمان‌های EPC، از حیث کارکرد می‌تواند یکی از مهم‌ترین حلقه‌های اصلاح ساختار قراردادی صنعت نفت و گاز ایران تلقی شود. ماهیت پروژه‌های نفتی و گازی که متضمن سرمایه‌گذاری‌های کلان، ریسک‌های فنی بالا و روابط طولانی‌مدت میان کارفرما و پیمانکار است، ایجاب می‌کند که نظام حل اختلاف، از حالت واکنشی و پسینی به نظامی پیشگیرانه، سریع و مبتنی بر همکاری متقابل تبدیل شود. کمیته دائمی با تلفیق عناصر حقوقی، فنی و مدیریتی ظرفیت آن را دارد که به‌عنوان نهاد میانجی و تصمیم‌یار در میان طرفین پیمان عمل کند و از تبدیل اختلافات فنی جزئی به دعاوی حقوقی پرهزینه جلوگیری نماید.

بر اساس تحلیل تطبیقی انجام‌شده، کمیته دائمی از منظر ساختار و کارکرد، گرچه از حیأت حل اختلاف فیدیک الهام گرفته، اما در بافت صنعت نفت ایران، ویژگی‌های متمایزی دارد. در نظام



قراردادی وزارت نفت، اختلافات معمولاً ترکیبی از عوامل فنی (مانند تأخیر در تأمین تجهیزات یا تغییر در طراحی)، مالی (مانند تعدیل قیمت یا پرداخت‌های مرحله‌ای) و مدیریتی (نظیر سوءتفاهم‌های ناشی از اجرا) هستند. از این رو، وجود نهادی با ترکیب تخصص‌های چندگانه و صلاحیت مشورتی مستمر، نه تنها کارکرد حقوقی، بلکه کارکرد اقتصادی و اجرایی نیز دارد. تحلیل اقتصادی نهاد کمیته نشان می‌دهد که استفاده از آن می‌تواند هزینه توقف پروژه‌ها و ارجاع به داوری را به صورت چشمگیر کاهش داده و از اتلاف منابع ملی ناشی از اختلافات قراردادی جلوگیری کند.

با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهد که کمیته در وضعیت فعلی با چالش‌هایی مواجه است. از جمله، فقدان آیین رسیدگی مدون و سازوکار شفاف برای پرداخت حق الزحمه اعضا که استقلال نهادی آن را تهدید می‌کند. همچنین، در نبود نظام ثبت و انتشار تصمیمات، امکان شکل‌گیری رویه‌های حقوقی منسجم در حوزه EPC نفت و گاز فراهم نشده است. در نتیجه، این نهاد اگرچه از حیث نظری ظرفیت ارتقای نظام حل اختلافات نفتی را دارد، اما از نظر نهادی نیازمند بازطراحی در سه محور اصلی است:

- نهادینه‌سازی جایگاه کمیته در چرخه مدیریت پروژه‌های نفتی و گازی از طریق الزام کارفرمایان اصلی (نظیر شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه) به تشکیل مؤثر و واقعی کمیته‌ها؛

- تدوین آیین‌نامه اجرایی اختصاصی برای کمیته‌های نفت و گاز که فرآیند رسیدگی، صلاحیت‌ها، نحوه تعامل با مشاوران فنی و حدود الزام‌آوری تصمیمات را به طور شفاف مشخص کند؛

- ایجاد بانک داده ملی از تصمیمات کمیته‌های EPC در پروژه‌های نفتی به منظور استخراج رویه‌ها، کاهش تکرار اختلافات مشابه و تقویت پیش‌بینی‌پذیری حقوقی برای سرمایه‌گذاران و پیمانکاران خارجی.

نتیجه مهم دیگر این پژوهش آن است که کمیته دائمی، می‌تواند به عنوان ابزار سیاست‌گذاری



در راستای حکمرانی قراردادی صنعت انرژی ایران ایفای نقش کند. در شرایطی که بخش قابل-توجهی از اختلافات در پروژه‌های بالادستی و پایین‌دستی ناشی از ناهماهنگی میان ملاحظات فنی و الزامات حقوقی است، کمیته می‌تواند بستری میان‌رشته‌ای برای تلفیق دیدگاه‌های مهندسی و حقوقی فراهم آورد و از این رهگذر، ظرفیت‌های داخلی را در جهت افزایش بهره‌وری قراردادها و کاهش دعاوی بین‌المللی تقویت نماید.

در نهایت، تحلیل کلی پژوهش نشان می‌دهد که چنانچه وزارت نفت با تدوین آیین‌نامه‌های تکمیلی، استقلال مالی و صلاحیت اجرایی این نهاد را تضمین کند، «کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف» می‌تواند به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی مدیریت حقوقی پروژه‌های نفت و گاز در ایران تثبیت گردد و با نهادینه‌سازی فرهنگ حل‌وفصل مشارکتی اختلافات، گامی اساسی در جهت ارتقای کارآیی، شفافیت و اعتماد در نظام EPC کشور بردارد.

۷. منابع

۱-۷) منابع فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. شیروی، عبدالحسین (۱۴۰۱). حقوق تجارت بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
۲. شیروی، عبدالحسین (۱۴۰۰). حقوق نفت و گاز، تهران: انتشارات سمت.
۳. شیروی، عبدالحسین (۱۴۰۲). داورى تجارى بین‌المللى، تهران: انتشارات سمت.
۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۴۰۰). حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش.
۵. مجموعه مقالات همایش حل‌وفصل اختلافات در صنعت انرژی (۱۳۹۹). انتشارات دانشگاه تهران.
۶. مجموعه مقررات هیأت حل‌اختلاف قراردادی (۱۴۰۳). تهران: شرکت ملی نفت ایران.

ب) مقالات

۷. اسداله‌نژاد رنجبر، آرزو؛ ارجمند، سید امیرمحمد و مهدی هداوند (۱۴۰۰). «آیین ادعا در



- نمونه قرارداد EPC فیدیک و مقایسه آن با نمونه اختصاصی صنعت نفت ایران»، *دوفصلنامه جستارهای نوین حقوق اداری*، شماره ۲، صص ۲۲۹-۲۵۶.
۸. برومند، بی‌بی فاطمه؛ شهبازی‌نیا، مرتضی و اصغر عربیان (۱۳۹۹). «حسن‌نیت آیینی طرفین داوری (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس)»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۴، شماره ۴، صص ۱-۲۴.
۹. حسین‌پور، محمدجواد و علی انصاری (۱۴۰۳). «تعیین اولیه صلاحیت داوری توسط دادگاه ملی»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۸، شماره ۴، صص ۱-۳۰.
۱۰. شیروی، عبدالحسین و محمدجواد عبداللهی (۱۳۹۷). «حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بازرگانی به روش شبه‌دادرسی»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۱۶۳-۱۸۸.
۱۱. صفری، محسن و آرش بادکوبه هزاوه (۱۴۰۰). «دامنه اعتبار و الزام‌آوری تصمیمات هیأت‌های حل اختلاف قراردادی وزارت نفت با تأکید بر داوری‌پذیری اختلافات درباره اموال شرکت‌های دولتی»، *مطالعات حقوق/انرژی*، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۵۱-۱۷۷.
۱۲. مافی، همایون و حسین تاری (۱۳۹۴). «اعتبار امر مختوم آرای داوری در حقوق ایران و آمریکا»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۱۹، شماره ۴، صص ۱۴۹-۱۷۲.
۱۳. یعقوبی مقدم، آرمان؛ غلام‌پور ویشکائی، محمد و محمد یار ارشدی (۱۴۰۲). «روش‌های حل‌وفصل اختلافات در قراردادهای فیدیک»، *مجله تمدن حقوقی*، دوره ۶، شماره ۱۷، صص ۱۰۵-۱۲۰.

پ) پایان‌نامه‌ها

۱۴. انیسی، الهام (۱۳۸۹). *حل‌وفصل اختلافات در قراردادهای پیمانکاری بین‌المللی با تأکید بر شرایط قراردادهای ساخت فدراسیون بین‌المللی مهندسان مشاور (فیدیک)*، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.



ت) مقررات

۱۵. اسناد همسان پیمان طراحی و مهندسی، تأمین مصالح و تجهیزات، ساختمان و نصب EPC برای کارهای صنعتی مصوب ۱۴۰۳
۱۶. شیوه‌نامه حل اختلاف‌های قراردادی صنعت نفت، مصوب ۱۳۹۳

۲-۷) منابع انگلیسی

A) Books

17. International Chamber of Commerce (2017). *Arbitration Rules*.
18. International Federation of Consulting Engineers (FIDIC) (2017). *Conditions of Contract for EPC/Turnkey Projects (FIDIC Silver Book)*.
19. Nigel, Pritchard and John, Scriven (2011). *EPC Contracts and Major Projects, A Guide to Construction and other Project Contracts*, London: Sweet & Maxwell.
20. Oil and Gas Disputes Survey (2021). *Managing disputes risk – the in-house perspective*.

B) Articles

21. Gilbert, John (2021). “Dispute resolution in the oil and gas sector”, Reproduced from Practical Law, with the permission of the publishers. For further information visit: uk.practicallaw.thomsonreuters.com

[In Persian]:

A) Books

22. Shiravi, A. (2023). *International commercial arbitration*, Tehran: Samt.
23. Shiravi, A. (2021). *Oil and gas Law*, Tehran: Samt.
24. Shiravi, A. (2022). *International Trade Law*, Tehran: Samt.
25. Ziai Bigdeli, M. (2021). *Public International Law*, Tehran: GanjeDanesh.
26. *Proceedings of the conference Dispute Resolution in the Energy Industry* (2019). Tehran: University of Tehran.
27. *Regulations of the Contractual Dispute Resolution Board* (2024). Tehran: Contractual Dispute Resolution Board of the Iranian Ministry of Oil.



B) Articles

28. Asadollah Ranjbar, A. & Arjmand, A. & Hadavand, M. (2021). "Claims procedure in the FIDIC EPC contract sample and its comparison with the Iranian oil industry specific sample", *Jostarhay Novin Hoghogh Edari*, 2, pp. 229-256.
29. Boromand, M. & Shahbaziniya, M. & Arabiyan, A. (2021). "Hosne niyate Aeinie Tarafein Davari (Motalee Tatbighe dar hoghoghe Iran va England)", *Comparative Law Researches Quarterly*, 24(4), pp. 1-24. [In Persian]
30. Hossein pour, M. & Ansari, A. (2024). "Early Determination of Arbitral Jurisdiction by the National Court", *Comparative Law Researches Quarterly*, 28(4), pp. 1-30.
31. Shiravi, A. & Abdollahi, M. (2018). "Hal o Fasle Mosalemat Amize Ekhtelafate Bazargani Be raveshe Shebhe Dadrasi", *Academic Journal of Legal Studies University of Shiraz*, 10(2), pp. 163-188.
32. Safari, M. & Badkoubbeh Hazaveh, A. (2021). "Scope of Validity and Being Binding of Dispute Resolution Board's Decisions in Oil Ministry with Emphasis on Arbitrability of Disputes Related to State-Owned Companies' Property", *Energy Law Stud*, 7(1), pp. 155-171.
33. Mafi, H. & Tari, H. (2016). "Validity of Res Judicata of Arbitration Awards in the Iranian and American", *Comparative Law Researches Quarterly*, 19(4), pp. 149-172.
34. Yaghobi Moghadam, A. & Gholampor Vishkaei, M. & Yararshadi, M. (2024). "Methods of Resolving Disputes in FIDIC Contracts", *Legal Civilization*, 6(17), pp. 105-120.

C) Dissertations

35. Anisi, E. (2010). **Dispute Resolution in International Contracting Contracts with Emphasis on the Terms of Construction Contracts of the International Federation of Consulting Engineers (FIDIC)**, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

D) Rules

36. General conditions of EPC contracts for industrial projects (2024)
37. Shiveh Nameye Hale Ekhtelafhaye Gharardadiye Sanaate Naft (2014) [In Persian]